

نقش خانواده در درونی کردن ارزش‌های فرهنگی در نوجوانان دختر ۱۸-۱۴ ساله دبیرستان شیخ فضل ا... نوری شهر اصفهان

دکتر محمود کیوان آرا^۱
دکتر رضا اسماعیلی^۲
فروغ الزمان یقینی^۳

چکیده

خانواده اولین واحدی است که فرزندان در آن به تدریج کسب هویت کرده و وارد زندگی اجتماعی می‌شوند. اما پدیده‌های ارتباطی و تحولات سریع اطلاعات و تکنولوژی که تحولات سریع فرهنگی را نیز به همراه داشته، توانسته است طرح‌ها، ایده‌ها، مدها، شیوه‌ها و ارزش‌های تازه‌ای را جایگزین الگوهای قدیمی‌تر در خانواده کند. آشناسازی نوجوانان با ارزش‌های جوامع دیگر به خصوص غرب، ورود عناصری از فرهنگ‌های مختلف به جامعه و یا فرهنگ پذیری را ممکن ساخته است. هدف مقاله حاضر بررسی نقش خانواده در درونی کردن ارزش‌های فرهنگی در نوجوانان دختر بود که به صورتیک مطالعه کیفی از طریق مصاحبه عمیق انجام شده است. داده‌ها از ۲۲ نفر از دانش آموزان دختر ۱۸-۱۴ ساله دبیرستان شیخ فضل اله نوری شهر اصفهان گردآوری و به صورت موضوعی تجزیه و تحلیل شد. پنج موضوع اصلی حاصل شد که عبارتند از روابط عاطفی و اعتماد و احترام متقابل، توجه به امور مذهبی، کنترل و نظارت بر رفتار فرزندان، درک فرزندان توسط والدین و فرزند سالاری. نتایج حاصل نشان داد خانواده‌هایی که در حین درک مشکلات فرزندان خود با ایجاد یک فضای عاطفی و توجه به امور اعتقادی نوجوانان سعی در نظارت و هدایت آنان نموده‌اند موفق به درونی کردن ارزش‌های فرهنگی در نوجوانان و هم چنین عامل رشد و بالندگی آنان شده‌اند. اما به نظر می‌رسد وجود شکاف نسل‌ها کارکرد تربیتی خانواده را تا حدودی متأثر نموده و با کم رنگ شدن نقش خانواده شرایط برای پذیرش ارزش‌های فرهنگی جوامع دیگر در نوجوانان فراهم شده است.

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

Keyvanara@mng.mui.ac.ir

^۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

^۳ - کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی

Forough.Yaghinin@yahoo.com

مفاهیم کلیدی:

ارزش‌های فرهنگی، فرهنگ پذیری، خانواده، نوجوانان دختر، دبیرستان، دانش‌آموزان

مقدمه

برای رسیدن به استقلال علمی- فرهنگی، به شخصیت‌های رشدیافته، دل‌های بیدار، مغزهای اندیشمند و دست‌های ماهر و توانا نیازمندیم. نقش سازنده‌ای که والدین برعهده دارند بر کسی پوشیده نیست. تأثیر خانواده و محیط آن بر ساخت شخصیت در حال پیدایش فرزندان به خصوص نوجوانان و جایگاه اجتماعی حال و آینده آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شفرز، ۱۳۸۳).

خانواده با اعمال سبک‌های^۱ تربیتی خود عامل انتقال ارزشها به نوجوانان و شکل‌گیری هویت آنان می‌شود. اعمال سبک‌های تربیتی والدین و به تبع آن درجه انتقال ارزشها و هنجارهای والدین به فرزندان از خصوصیات شخصی والدین تأثیر می‌پذیرد. سرس، مکویی و لوین^۲ درونی کردن ارزشها را نتیجه تمایل فرزندان به ویژگی‌های مثبت والدین تشخیص داده‌اند. ویژگی‌های مثبت والدین باعث تقویت ارزشها می‌شود چرا که فرزندان می‌توانند تجربیات خوشایند را از طریق شبیه والدین شدن باز تولید نمایند (یوسفی، ۱۳۸۲) و از آنجا که ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می‌توان جامعه را به زوال و یا به تعالی کشاند، (رفیع پور، ۱۳۸۵، ص: ۲۶۷) خانواده می‌تواند نقش مهمی در رشد و شکوفایی جامعه داشته باشد. خانواده با درونی کردن ارزشها در فرزندان خود می‌تواند عامل انتقال فرهنگ جامعه به نسل بعد بوده و محافظ فرزندان خود از ارزش‌گریزی و یا گرایش به فرهنگ دیگر جوامع شود. کودکی که در یک خانواده با خرده فرهنگ خاص زاده و بزرگ می‌شود، مقدر است بیگانگان را با دید خاص و معینی بنگرد (هوغ^۳، ۱۹۹۵). اما اگر خانواده در این زمینه ضعیف عمل کند، با توجه به تحولات سریع اطلاعات و تکنولوژی جریان نفوذ فرهنگی، ارزشها، باورها و الگوهای تفکر و عمل را هم از حیث منشاء و مبنا و هم از حیث انتقال و تداوم تحت تأثیر قرار می‌دهد و نسل جوان که با طرح علایق، نیازها و گرایشهایش تلاش دارد تا فرهنگ را دچار تکافوی بیشتر نموده و ساختار مدرن تری به فرهنگ بدهد، (آزادارمکی، ۱۳۸۷، ۱۸۵) در صورتی که توانایی ارزیابی و قدرت تفکیک صحیح فرهنگی نداشته باشد شخصیت و فرهنگش تأثیر می‌پذیرد.

اهمیت درونی کردن ارزش‌های فرهنگی از آن جهت است که هر جامعه برای آن که بتواند در قالب فرهنگی معینی زندگی کرده، ارتباط متقابل و موفقیت آمیزی داشته باشد، باید گونه‌های شخصیتی خاصی را که با فرهنگش هماهنگی داشته باشد پرورش دهد (کوئن،

^۱- *Disciplin*

^۲- *Sears, Maccoby, Levin*

^۳- *Hogg*

۱۳۷۹، ۱۱۴) و با توجه به اینکه یکی از راههای حصول الگوهای رفتاری، یادگیری مشاهده‌ای است و نیز یکی از ویژگی‌های مهم نوجوانان الگوجویی است، الگوهای ارائه شده توسط خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اگر خانواده نتواند به خوبی ایفای نقش کند، نقش الگوهای ارائه شده توسط دیگر عوامل از جمله رسانه‌های جمعی و گروه همسالان پررنگ‌تر شده و عامل ایجاد شکاف در خانواده می‌شود. شواهد مربوط به چگونگی روابط اعضای خانواده در ایران، بحث شکاف یا پیوستگی نسلی را در کشور دامن زده است. (سگالان، ۱۳۷۰، ۲۲۵).

با توجه به مباحث مطرح شده در حال حاضر عنایت به نقش نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا هر یک از نوجوانان امروز در آینده عناصر مؤثری خواهند بود و بر این مبنی که ارزشها سرمنشاء نگرش هستند و نگرش خود موجب کنش می‌باشد، مشخص می‌شود که هر نوع تغییری در باورها و ارزش‌های نوجوانان امروز حاصل شود، انعکاس آن در جامعه‌آینده مشاهده خواهد شد. بنابراین با توجه به تأثیرپذیری بسیار زیاد نوجوانان از خانواده این مقاله درصدد بوده است که به طور دقیق نقش خانواده را در درونی کردن ارزش‌های فرهنگی گروه مورد مطالعه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

روش پژوهش

در این مطالعه از روش تحقیقی کیفی استفاده شده است که به صورت تجزیه و تحلیل موضوعی^۱ به اجرا در آمده است. تجزیه و تحلیل موضوعی یک نوع تجزیه و تحلیل محتوی داده‌ها و طبقه بندی است که براساس "موضوعات" انجام می‌شود (گیرین^۲ و تورگود^۳، ۲۰۰۴، ۱۷۷).

روش نمونه گیری مبتنی بر هدف بوده است. نمونه گیری با اولین مشارکت کننده آغاز و تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت. بدین ترتیب، ۲۲ نفر مشارکت کننده در مطالعه شرکت نمودند. افراد مورد مطالعه در این پژوهش را نوجوانان ۱۸-۱۴ ساله‌ای که در دبیرستان شیخ فضل اله نوری شهر اصفهان به تحصیل اشتغال داشتند، تشکیل می‌داد. در این پژوهش مصاحبه‌ها به صورت عمیق و نیمه ساختاریافته صورت گرفت و بین ۳۰ تا ۸۰ دقیقه به طول انجامید و مکالمات با استفاده از دستگاه ضبط صوت، ضبط و سپس لغت به لغت روی کاغذ پیاده شد. یافته‌ها بر مبنای موضوعات و زیر موضوعات طبقه بندی شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

^۱ - Thematic Analysis

^۲ - Green

^۳ - Thorogood

"روایی و پایایی داده‌ها طبق نظر لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) بر مبنای موثق بودن آن بوده است" (فلیک، ۲۸۳، ۱۳۸۲) مصاحبه‌ها پس از استخراج با برخی از مشارکت‌کنندگان کنترل شد و صحت داده‌ها توسط آنان مورد تأیید قرار گرفت. به منظور حفظ ملاحظات اخلاقی، جمع‌آوری اطلاعات پس از کسب مجوز از دبیرستان و مقامات مسئول انجام شد و مصاحبه‌ها پس از اخذ رضایت از مشارکت‌کنندگان صورت گرفت و مشخصات و ویژگی‌های فردی آنان با توجه به آنکه به هر مصاحبه‌شماره‌ای اختصاص داده شد، در تمام مراحل تحقیق به طور کامل محرمانه حفظ گردید.

یافته‌ها

افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش را ۲۲ نفر از نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۲ نفر ۱۴ ساله و ۵ نفر ۱۵ ساله در کلاس اول دبیرستان به تحصیل اشتغال دارند. تعداد افراد ۱۶ ساله ۳ نفر که سال دوم هستند و ۱۷ ساله‌ها ۸ نفر هستند و ۴ نفر باقیمانده را افراد ۱۸ ساله تشکیل می‌دهند که همگی در کلاس سوم دبیرستان در رشته‌های مختلف مشغول به تحصیل می‌باشند.

موضوعات اصلی که از یافته‌ها حاصل گردید عبارتند از روابط عاطفی بین اعضاء خانواده و اعتماد و احترام متقابل، پای‌بندی خانواده به امور مذهبی، نقش نظارت خانواده بر فرزندان، درک فرزندان و فرهنگ‌پذیری و فرزند‌سالاری در خانواده. این موضوعات به تفکیک همراه با زیر-موضوعات آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- روابط عاطفی بین اعضاء خانواده و اعتماد و احترام متقابل

اظهارات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش حاکی از اهمیت روابط عاطفی بین اعضاء خانواده و احترام متقابل به عنوان مهمترین عمل در پذیرش فرهنگ خانواده می‌باشد. از اظهارات آنان اینگونه استنتاج می‌شود که می‌توان خانواده‌ها را به دو دسته تفکیک نمود:

۱-۱- خانواده‌هایی که صمیمیت و محبت نزد اعضاء خانواده مشهود است: اعتماد و احترام متقابل و صمیمیت نزد اعضاء تأثیر مثبت بر پذیرش فرهنگ دارد، یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد نوع روابطش با پدر می‌گوید:

«رابطه ام با پدرم فوق‌العاده صمیمه، یک دوست همیشگی و فوق‌العاده ماه، مرا دختر زعفرونی خطاب می‌کنه و تمام وقایع، کوچکترین اتفاقی که می‌افته تو چشم‌ام نگاه میکنه و مجبور میشم همه چیز را بگم، از راه حل‌هاش همیشه استفاده می‌کنم جوونهای امروزی

¹ - Lincon & Guba

گاهی اشتباه می‌کنند و پاشونا کج می‌دارند، دلیلش هم بیشتر بر میگردد به خانواده‌هاشون». (مصاحبه شماره ۱).

مشارکت‌کننده دیگری در مورد روابطش با مادر چنین اظهار می‌دارد: «رابطه ام با مادر خیلی خوبه، خیلی مهربونند. وقتی می‌خواهم بریم مهمونی مامانم می‌گه بیش از حد آرایش نکن. منم می‌پذیرم» (مصاحبه شماره ۷).

همان گونه که از اظهارات مشارکت‌کنندگان بر می‌آید، اعتماد و احترام متقابل، صمیمیت و محبت نزد اعضای خانواده باعث پذیرش باورها، ارزشها و هنجارها می‌شود.

۱-۲- خانواده‌هایی که روابط عاطفی در آنها کم رنگ است: داده‌ها نشان می‌دهد هراندازه روابط عاطفی کم رنگ‌تر باشد پای‌بندی مشارکت‌کنندگان به ارزشها و هنجارها کمتر است. یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «رابطه پدر و مادرم خوب نیست، رابطه خودم هم با پدرم مطلوب نیست، زمان بیکاری را بیشتر با دوستان سپری می‌کنم و کم با خانواده بیرون میرم، بهم می‌گن خیلی آرایش نکن ولی من نمی‌پذیرم» (مصاحبه شماره ۶).

مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «با مامانم خیلی با هم جر و بحث می‌کنیم سر بیرون رفتنم با دوستانم و راجع به تیپم. اونا می‌گند اونجوری که ما دوست داریم لباس پوش نمی‌شه که همش به حرف اونا گوش داد» (مصاحبه شماره ۷).

طبق آنچه ملاحظه گردید روابط عاطفی مناسب بین والدین و فرزندان عامل‌ایفای نقش تربیتی خانواده شده است و برعکس وجود مشکلات در روابط مشارکت‌کنندگان با خانواده باعث شده تا خانواده نتواند تأثیر مطلوب بر آنان بگذارد.

۲- پای‌بندی خانواده به امور مذهبی

موضوع قابل بررسی دیگر، توجه خانواده به امور مذهبی و دینی است. طبق اظهار نظر مشارکت‌کنندگان توجه والدین به امور مذهبی نیز تأثیر به‌سزایی در گرایش فرزندان به پای‌بندی به امور اعتقادی و درونی شدن ارزش‌های فرهنگی دارد. براساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان خانواده‌ها را از این نظر به سه دسته می‌توان تفکیک نمود:

۱-۲- خانواده‌هایی که والدین آنان پای‌بندی مذهبی داشته و سعی در تقویت تفکر مذهبی فرزندان دارند: خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو دارای باورهای دینی هستند نسبت به فراگیری ارزش‌های فرهنگی و مذهبی فرزندان حساسیت دارند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید: «من قبل از اینکه برم مدرسه کلاس قرآن میرفتم و دبستان هم که بودم کلاس حفظ قرآن. اگه بخوایم فرهنگمون را حفظ کنیم باید عقاید اسلامی قوی‌تر بشه» (مصاحبه شماره ۸).

مصاحبه‌شونده دیگری می‌گوید: «مادرم حتماً جای مخصوصی برای نماز خواندن دارند و دعاها می‌کنند و قرآنی که با دوستان و بقیه می‌خوانند. من درباره قرآن و فلسفه، نماز

تحقیق داشتم. قبل از آن نماز می‌خوندم ولی الان با عشق نماز را می‌خونم» (مصاحبه شماره ۳).

۲-۲- خانواده‌هایی که خیلی پای بند انجام فرایض دینی نبوده و نسبت به عقاید فرزندان خود بی‌توجهند: در اینگونه خانواده‌ها نوجوانان در پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای دینی با تردید روبرو هستند و قادر نیستند رفتارهای دینی متناسب با شرایط جامعه داشته باشند. یکی از آنان می‌گوید:

«مامانم می‌خونه نماز ولی نه سر وقت و همیشه. بابا هم نماز می‌خونه ولی نه مرتب، روزه ام نمیتونه بگیره من به خداایمان دارم ولی اسلام را بعضی از چیزهاش به نظرم مسخره می‌یاد» (مصاحبه شماره ۱۹).

برخی از مشارکت کنندگان سؤالات بدون پاسخ از دین دارند و یا شبهات دینی مانع بزرگی برای آنان است. یکی از مشارکت کنندگان اینگونه اظهار می‌دارد: «نماز نمی‌خونم، میدونی، من معتقدم اسلام از اون زمان تا الان از دوره‌های مختلفی گذشته و معلوم نیست چه تغییری در اون انجام شده ما در مورد اسلام خیلی نمیدونیم» (مصاحبه شماره ۲۱).

یکی از نکات بسیار مهم در پذیرش باورهای اعتقادی نوجوانان اینست که آنان دارای فطرت‌های پاک بوده و دل‌ها و ضمائر آراسته‌ای دارند و پتانسیل پذیرش اعتقادات دینی را دارند اما در مواردی ممکن است والدین در این زمینه کوتاهی داشته باشند بدین سبب است که یکی از آنان چنین می‌گوید: «پدر و مادرم نماز می‌خوند ولی روزه نمی‌گیرند براشون بده ولی من سحر را خیلی دوست دارم همین دعایی که می‌خوند ولی تنهایی حالش را ندارم بلند بشم» (مصاحبه شماره ۷).

۲-۳- خانواده‌هایی که دارای تعارض هنجاری در پذیرش امور مذهبی هستند: ابهام در ایفای نقش مذهبی نوجوانان از جمله اموری است که خانواده به ویژه والدین، می‌توانند نقش مهمی در آن داشته باشند. در این زمینه یکی از مصاحبه شوندگان اینگونه ذکر می‌کند: «مادرم نماز می‌خونه و روزه ام می‌گیره ولی بابام نمی‌تونه روزه بگیره و نماز هم گهگاهی می‌خونه. برادرم روزه را مسخره بازی مسلمانها میدونه ولی به قرآن علاقه‌منده، من هم قبلاً نماز می‌خوندم. خیلی نماز را دوست دارم اما نمیدونم چی شد که دیگه نمازم را مرتب نمی‌خونم.» (مصاحبه شماره ۴).

خانواده از طریق آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، رفع ابهامات و شبهات، راهنمایی و ارشاد و... می‌تواند عامل پای‌بندی فرزندان به هنجارهای مذهبی باشد گاهی هم خانواده در پذیرش امور مذهبی دچار تعارض هنجاری شده که در این صورت باعث سردرگمی فرزندان گردیده است.

۳- نقش نظارت خانواده بر فرزندان. اظهارات مشارکت کنندگان حاکی از اهمیت کنترل و نظارت والدین به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرآیند جامعه‌پذیری آنان است. به نظر می‌رسد اگر نظارت والدین با روابط عاطفی بیشتر همراه باشد. امکان درونی شدن ارزشها و پایبندی به هنجارها میسرتر است. برخی از مصاحبه شونده‌گان اذعان داشته‌اند که مادر آنان ضمن حفظ رعایت روابط عاطفی سعی نموده است تا آنان را متناسب با ارزشهای جامعه مورد کنترل و نظارت قرار دهد. زیر- موضوعات این بخش به شرح زیر می‌باشد:

۳-۱- هدایت در انتخاب دوست: یکی از مشارکت کنندگان کنترل مادر بر رفتار نامناسب خویش را مورد ستایش قرار می‌دهد و چنین می‌گوید: «یک دوست قبلاً داشتم که همسایه مونه ولی ما با هم خیلی فرق داریم اون دوست پسر و اینها داره، مامانم یه روز ما را برد پارک و گفت دوستی تون را همین جا تمام کنید» (مصاحبه شماره ۲).

۳-۲- نظارت بر رفت و آمدها: نظارت موجه و شناخت مادران از محیط و اعتماد به فرزندان در موارد زیادی برای نوجوانان حائز اهمیت است یکی از مصاحبه شونده‌گان اظهار می‌دارد: «مادرم آزادی در حد نیاز میدند. اگه بخوام برم بیرون به من اجازه میدند ولی نه بدون دلیل. منم هر جا برم میگم. تولد دوستانم اجازه میدند ولی وقت اضافی به من نمیدند. با دوستهای صمیمی که شناخت دارند تا زمان محدودی می‌تونم برم بیرون» (مصاحبه شماره ۱۵).

۳-۳- نظارت بر نحوه پوشش و آرایش: ادراک شرایط سنی و ویژگی‌های روانشناختی فرزندان دختر توسط مادران از موضوعاتی است که اهمیت در شکل‌گیری رفتارهای متناسب در بین مشارکت کنندگان دارد. در این زمینه یکی از نوجوانان داستان خویش را اینگونه بیان می‌دارد: «من تیپ می‌زدم مادرم باهام صحبت کرد گفت زمان اینکار هم میرسه، میدونم جوونی و دوست داری اینکارا بکنی ولی جووری بپوش که شیک و جامعه پسند باشه» (مصاحبه شماره ۱). به نظر می‌رسد کنترل و نظارت ضعیف والدین امکان هنجارشکنی فرزندان را بیشتر می‌کند. یکی از مشارکت کنندگان در این خصوص می‌گوید: «در نحوه آرایش و لباس پوشیدنم خانواده دخالت نمی‌کنند من آرایش می‌کنم خیلی هم می‌کنم ولی دخترونه، با دوستانم تو خیابون می‌ریم دور می‌زنیم، کافی شاپ چیزی می‌خوریم ویا رستوران. تو مهمونیهای خانوادگی با دوست پسر که شناخته شده باشه شرکت می‌کنم و خانواده هم در جریان هستنند» (مصاحبه شماره ۱۹).

۳-۴- استفاده از وسایل ارتباطی مدرن: نظارت بر استفاده از وسایل ارتباطی توسط خانواده نیز حائز اهمیت است، یکی از مشارکت کنندگان در زمینه استفاده از اینترنت می‌گوید: «من از لب تاب خودم بیشتر استفاده می‌کنم، من شعرها ما که بیشتر احساسی هست می‌نویسم

تو وبلاگ و دیگران میخوانند و نظر میدهند و خانواده کنترلی بر لب تاب من ندارند» (مصاحبه شماره ۴).

مصاحبه شونده دیگری که از کامپیوتر برای چت کردن استفاده می‌کند می‌گوید: «چت می‌کنم برای پیدا کردن دوست‌های جدید. ولی خانواده نمی‌فهمند» (مصاحبه شماره ۱۶) ماهواره وسیله ارتباطی دیگری است که نظارت والدین را می‌طلبد. یکی از مشارکت کنندگانی که والدینش با وجود ماهواره در منزل مخالفند می‌گوید: «ماهواره نداریم. همون بهتر که نداریم. همه برنامه‌هاش بد نیست ولی دیدم که برنامه بد هم داره وقتی باشه آدم وسوسه میشه تماشا کنه» (مصاحبه شماره ۸). مصاحبه شونده دیگری می‌گوید: «پارسال بابام ماهواره خرید ولی مامانم میگه ماهواره نمی‌خوایم، وقت ما را می‌گیره. الان هم قفله غرب سعی میکنه با برنامه‌های جذاب ماهواره برای جوونها فرهنگ خودش را به ما القا کنه» (مصاحبه شماره ۲). نتیجه‌ای که از مباحث مطرح شده می‌توان گرفت اینست که کنترل والدین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اما با درک شرایط سنی، محیطی و وضعیت روحی روانی نوجوانان باید آنها راهنمایی کرد.

۴- ادراک شرایط و موقعیت فرزندان و فرهنگ پذیری: اظهارات شرکت کنندگان بیانگر اهمیت ادراک شرایط و موقعیت فرزندان و تلاش به منظور حل مسائل و مشکلات آنان از طرف والدین است. خانواده‌ها را می‌توان از این جهت به دو دسته تفکیک نمود:

۴-۱- خانواده‌هایی که تلاش در جهت درک مشکلات فرزندان خود دارند: به نظر می‌رسد والدینی که مسائل و مشکلات فرزندان خود را بیشتر درک کرده و قدم برای حل آن بردارند شرایط را برای پذیرش فرهنگ توسط نوجوانان مساعدتر می‌نمایند. در این زمینه یکی از مشارکت کنندگان می‌گوید: «خانواده خیلی درکم می‌کنند، اگه مشکلی پیش بیاد همیشه برای مامان تعریف می‌کنم. خیلی خوب برخورد می‌کنند. سعی می‌کنند راه حل براش پیدا کنند» (مصاحبه شماره ۱۹).

۴-۲- خانواده‌هایی که نسبت به مشکلات فرزندان خود بی‌توجهند: کم توجهی والدین در شنیدن و درک مشکلات بر روابط عاطفی آنان اثر سوء می‌گذارد. مشارکت کننده‌ای در این زمینه می‌گوید: «مامانم مطمئناً اگر سعی کنه مشکلات منا درک کنه ما رابطه مون خیلی بهتر میشه. من سعی می‌کنم رابطه دوستیم را با مامانم زیاد کنم» (مصاحبه شماره ۲۱). انعطاف ناپذیری و سختگیری والدین در این زمینه می‌تواند استقلال نوجوانان را که در این دوران اهمیت زیادی برای آنان دارد خدشه دار نموده و ناتوانی را در آنان رشد دهد. در این خصوص یکی از مشارکت کنندگان می‌گوید: «اگه یه مشکلی پیش بیاد فکر نمی‌کنند که این اومد حرفشو گفته پس بهش اعتماد کنیم، فکر می‌کنند باید بیشتر سختگیری کنند تا مشکل پیش نیاد» (مصاحبه شماره ۷). آنچه در این قسمت قابل ذکر و نتیجه گیری

می‌باشد اینست که به نظر می‌رسد یک رابطه مستقیم و همراه با انعطاف‌پذیری بین والدین و فرزندان در هنگام برخورد با مسائل و مشکلات و ایجاد روابط صمیمی با آنها نقش زیادی در انتقال ارزشها دارد.

۵- فرزند سالاری در خانواده: آنچه به عنوان فرزند سالاری در خانواده مورد توجه مشارکت‌کنندگان بوده عبارت از برخورداری قدرت در پذیرش یا عدم پذیرش رفتارها و نصایح والدین می‌باشد. طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان فرزند سالاری در خانواده می‌تواند به شکل دو سویه عمل کند.

۵-۱- فرزند سالاری بر ارزش‌پذیری نوجوانان تأثیر منفی دارد: تأثیر منفی بر ارزش‌پذیری نوجوانان را می‌توان طبق شواهد زیر مورد توجه قرار داد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهارات خود را چنین بیان می‌کند: «تو انتخاب لباس و نحوه آرایش اگر نظر مامانم منطقی باشه می‌پذیرم ولی اگه منطقی نباشه، نه، آخه مامانم مالیه نسل پیشه» (مصاحبه شماره ۲۱). موضوع مورد توجه اینست که والدین باید استقلال فرزندان را تا حدودی بر سمیت بشناسند و آزادی عمل آنان را بپذیرند. مصاحبه‌شونده‌ای در این خصوص می‌گوید: «من خیلی دوست دارم مستقل باشم... وقتی هم بهم میگن چرا نماز نمی‌خونی، من میگم شما بهم نگید چکار کنم، خودم می‌دونم» (مصاحبه شماره ۴).

۵-۲- فرزند سالاری عامل رشد و بالندگی نوجوانان می‌شود: استقلال می‌تواند به عنوان عاملی جهت رشد و بالندگی نوجوانان بوده، پذیرش باورها را ارتقاء دهد. یک نوجوان مشارکت‌کننده می‌گوید: «پدرم می‌گند هر راهی می‌خواهی بری ما کمکت می‌کنیم، شرایط را فراهم می‌کنیم ولی دیگه مسئولیتش با خودت. من دوست دارم اگه مسلمان هستم خودم تحقیق کرده باشم. مطالعه داشتم درباره قرآن، فلسفه نماز. من قبلاً نماز می‌خوندم ولی عشق به نماز نداشتم ولی الان با عشق نماز می‌خونم» (مصاحبه شماره ۳). مصاحبه‌شونده دیگری در این خصوص می‌گوید: «من طوری بزرگ شدم که خودم تصمیم می‌گیرم چی بپوشم و کجا برم. اگر هم اختلاف نظر با خانواده داشتیم هم دیگر را قانع می‌کنیم» (مصاحبه شماره ۱۷). همان‌گونه که از اظهارات مشارکت‌کنندگان بر می‌آید، والدین می‌توانند با ایجاد روابط عاطفی توأم با احترام یک جو مطلوب و خوشایند بر فضای خانواده حاکم کنند. و زمانی که فرزندان احساس کنند مسائل و مشکلات آنها مهم تلقی شده و به نظر اتشان بها داده می‌شود و سعی در فراهم کردن شرایط برای رشد و بالندگی آنها می‌شود، مطمئناً نگرش بهتری نسبت به خانواده خود پیدا خواهند کرد. و در این صورت درونی کردن ارزشها در نوجوانان بسیار راحتتر خواهد بود.

بحث

هدف پژوهش میزان تأثیرپذیری نوجوانان دختر ۱۸-۱۴ ساله دبیرستان شیخ فضل اله نوری اصفهان از خانواده بوده است که با موضوعات روابط عاطفی و احترام و اعتماد قابل بین اعضاء خانواده، پایبندی خانواده به امور مذهبی، نظارت و کنترل فرزندان، ادراک فرزندان توسط والدین و فرزند سالاری در خانواده مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روابط عاطفی باعث افزایش احترام و اعتماد متقابل بین والدین و فرزندان شده و امکان درونی شدن ارزشها را برای آنها فراهم نموده است. علاوه بر آن نوجوانان چنین خانواده‌هایی نگرش مثبت نسبت به محیط، جامعه و فرهنگ خود داشته و امکان فرهنگ‌پذیری آنان از دیگر جوامع کمتر است. برعکس در خانواده‌های مشارکت‌کنندگانی که در آنها روابط عاطفی کم رنگ است، ناسازگاری نوجوانان با والدین بر حرف شنوی و الگوپذیری آنها از پدر و مادر خود تأثیر منفی داشته و کم رنگ شدن کارکرد تربیتی خانواده و به دنبال آن پررنگ شدن نقش عوامل دیگر و شاید مساعد شدن زمینه برای ارزش‌گریزی نوجوانان را به دنبال داشته است.

از موضوعات دیگر مبحث خانواده، پایبندی والدین به امور مذهبی است. در این خصوص خانواده‌ها به سه دسته قابل تفکیک بودند. به نظر می‌رسد والدینی که پای بند به امور مذهبی بوده و سعی در القای ارزش‌های دینی به فرزندان خود داشته‌اند، در جامعه‌پذیری فرزندان خود موفق‌تر بوده‌اند. اما والدینی که باورهای دینی مستحکمی نداشته و تلاشی هم در جهت راهنمایی و ارشاد فرزندان خود نداشتند، نوجوانانشان تمایل کمتری به پذیرش ارزشهای دینی از خود نشان می‌دادند. فطرت نوجوان پاک است. اگر این فطرت پاک مدتی بی‌استفاده بماند در معرض استفاده‌های ضداخلاقی قرار می‌گیرد (شرقی، ۱۳۷۸).

دسته سوم را والدینی تشکیل می‌دادند که با تعارض‌های هنجاری در پذیرش امور مذهبی روبه‌رو بودند. همانطوری که از یافته‌های پژوهش بر می‌آید، اختلاف عقیده پدر و مادر دوگانگی ارزشی و سردرگمی فرزندان را به دنبال داشته است. نظارت و کنترل در خانواده‌ی یکی دیگر از موضوعات تأثیرگذار بر نوجوانان است. خانواده‌هایی که بر رفتار فرزندان خود نظارت داشته و با کنترل و دلایل منطقی به رفتارهای آن سمت و سو داده‌اند، فرزندان خود را در برابر نابه‌هنجاری‌ها بیشتر محافظت نموده‌اند. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد والدینی که مسائل و مشکلات فرزندان خود را بهتر درک کرده، و سعی در حل آنها دارند، روابط عاطفی پررنگ‌تری با فرزندان خود داشته و توانسته‌اند نقش مؤثری در درونی کردن فرهنگ برای آنان داشته باشند.

موضوع دیگری که در بحث خانواده قابل بررسی است، فرزند سالاری است. آنچه از یافته‌های این پژوهش بر می‌آید فرزند سالاری در خانواده می‌تواند اثر دوسویه بر جامعه‌پذیری

نوجوانان داشته باشد. از آنجائی که فرزند سالاری به عنوان برخوردارى از قدرت در پذیرش و یا عدم پذیرش رفتارها و نصایح والدین مورد توجه مشارکت کنندگان است، در خانواده‌های مصاحبه شونده‌گانی که فرزند سالاری حاکم بوده است، نوجوانان در پذیرش ارزشها به طور سلیقه‌ای عمل کرده‌اند و آن دسته از ارزشها و هنجارها که باب میل آنان نبوده به بهانه غیرمنطقی بودن نپذیرفته‌اند. از طرفی تجارب مشارکت کنندگان حاکی از آن است که داشتن احساس استقلال برای آنان مثبت تلقی شده، و باعث ارتقاء باورها و رشد و بالندگی آنان شده است.

برخی یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در زمینه تأثیرپذیری نوجوانان و جوانان از خانواده، مانند پژوهش حاضر وضعیت اعتقادی خانواده را در پای بندی به ارزش‌های فرهنگی در بین نوجوانان نتیجه گرفته است (احمدی حکمتی کار؛ رسولی، ۱۳۷۵؛ فرخ نیا، ۱۳۷۶؛ بنی فاطمه، ۱۳۷۷). با این تفاوت که تحقیق حاضر تأثیر شیوه‌های مختلف تربیتی خانواده را بر پذیرش ارزش‌های فرهنگی توسط نوجوانان با موضوعات گوناگون مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار داده است. نتایج این تحقیق همچون پژوهش "راز گل سرخ" معتقد است ارزش‌های برخی از جوانان تحت تأثیر برنامه‌های از پیش تعیین شده غرب به پستی و پوچی گرائیده است (منطقی، ۱۳۷۸).

توکلی در پژوهشی دیگر تحت عنوان "بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی"، تفاوت ارزشی دو نسل مادران و دختران را بیشتر در سطح ارزش‌های معنوی و گرایش بیشتر مادران به ارزش‌های مذهبی نتیجه گرفته است (توکلی، ۱۳۸۲). ولی یافته‌های تحقیق حاضر چنین تفاوت ارزشی را برای خانواده‌هایی که نسبت به عقاید فرزندان خود کم توجهند نتیجه گرفته اما خانواده‌هایی که سعی در تقویت تفکر مذهبی فرزندان دارند چنین تفاوتی دیده نمی‌شود. سیک من نیز در مطالعه‌ای که در زندگی نوجوانان ۱۴-۱۸ ساله مهاجر در آمریکا انجام داده است تعارض خانوادگی نوجوانان را مانند پژوهش حاضر عامل گرایش آنان به فرهنگ دیگر جوامع می‌داند (سیک من، ۲۰۰۸).

- نوع این پژوهش کیفی است بنابراین همانند مطالعات کمی امکان تعمیم آن کمتر می‌باشد.
- باید مطالعات جامع و دقیقی در مورد تفاوت‌های بین نسلی (والدین و نوجوانان) انجام گیرد و راحل‌های مناسب و علمی برای این معضل اتخاذ شود.
- علل تعارض ارزش‌های نوجوانان با ارزش‌های جامعه بررسی شود.
- تلویزیون، آموزش و پرورش و دیگر نهادهای آموزشی، فرهنگی و تبلیغی باید همسو و هم جهت با خانواده در درونی کردن ارزشها برای نوجوان حرکت کنند.

- کلاس‌های آموزش خانواده برای والدین در دبیرستان‌ها و مراکز فرهنگی برگزار شود.

نتیجه‌گیری

فرهنگ به کمک جامعه‌پذیر کردن کودکان و نوجوانان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و تداوم می‌یابد ولی گاهی فرهنگ‌ها در ارتباط بایکدیگر عناصری را وام می‌گیرند که البته ممکن است این به صورت ناخودآگاه و یا ارادی و یا سلطه‌گرانه و برنامه‌ریزی شده باشد. شیوه‌های تربیتی خانواده را می‌توان یکی از مهمترین عواملی به حساب آورد که قادر است به شکل دوسویه عمل کند یا عاملی برای حفظ فرهنگ جامعه باشد و یا فرهنگ‌پذیری نوجوانان از دیگر جوامع را سبب شود. از شیوه‌های تربیتی خانواده می‌توان تلاش والدین برای ایجاد روابط عاطفی و به وجود آوردن یک جو اعتماد و احترام متقابل بین والدین و فرزندان را نام برد که در این صورت الگوپذیری نوجوانان از والدین و در نتیجه پذیرش ارزش‌های فرهنگی به مراتب راحت‌تر خواهد بود. علاوه بر آن توجه به امور مذهبی، و توافق بر سر ارزشها، نظارت و کنترل فرزندان، ادراک فرزندان توسط والدین و مسئولیت دادن به فرزندان در خانواده اموری هستند که همگی تأثیر مثبت بر جامعه‌پذیری نوجوانان داشته و می‌تواند مانعی جهت گرایش آنان به فرهنگ دیگر جوامع شود. اما به نظر می‌رسد که امروزه خانواده به دلیل شکاف ایجاد شده میان نسل‌ها دارای نقش کم‌رنگتری است زیرا جوانان به گرایش‌های فرهنگی نسل بالغ با دیده تردید می‌نگرند و باین تصور که برخی از ارزشها متعلق به فرهنگ افراد بالغ است، دلیل کافی برای اجتناب از آنها تلقی می‌شود.

منابع فارسی

- آزاد ارمکی. تقی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی فرهنگ*. تهران: نشر علم. چاپ اول.
- احمدی حکمتی کار. حسن. (—). بررسی نگرش نوجوانان و جوانان ۱۸-۱۵ ساله به فرهنگ غرب و راه‌های مقابله با آن. *طرح پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی/استان کرمان*.
- بنی فاطمه. حسین. (۱۳۷۷). بررسی علل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه در استان آذربایجان شرقی. *طرح کاربردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*.
- توکلی، مهناز، ۱۳۸۲. بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها. گردآورنده: علی اکبر علیخانی. *انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی*. صص ۳۷۹-۳۵۱.
- رسولی. حبیب‌الله. (۱۳۷۵). بیان موضوع تهاجم فرهنگی در قرآن مجید. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس*.
- رفیع پور. فرامرز. (۱۳۸۵). *آناتومی جامعه*. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ چهارم.
- سگلان. مارتین. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- شرقی. (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی تربیتی نسل جدید انقلاب. *نشریه‌یالشارات حسین (ع)*. شماره ۳۰۱. (صفحات ۴-۱).
- شفرز. برنهارد. (۱۳۸۳). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*. ترجمه ک.ا. راسخ. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- فرخ‌نیا. رحیم. (۱۳۷۶). بررسی چگونگی نفوذ اشکال امپریالیسم فرهنگ غرب در بین شهروندان شهر همدان و شناسایی محرک‌های اشاعه و نیز رویارویی سازنده با آن. *طرح کاربردی دانشگاه بوعلی سینا همدان*.
- فلیک. یو. (۱۳۸۲). *درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی*. ترجمه عبدالرسول. جمشیدیان؛ سیدعلی سیادت؛ رضا علی. نوروزی. قم: سماء قلم. چاپ اول.
- کوئن. بروس. (۱۳۷۹). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی. انتشارات سمت. چاپ یازدهم.
- منطقی، مرتضی، ۱۳۷۸. *راز گل سرخ*. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یوسفی. نریمان. (۱۳۸۲). سبک‌های تربیتی و شکاف بین نسلی. در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها. گردآورنده: علی اکبر علیخانی. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. صص: ۳۱۰-۲۹۱.

منابع انگلیسی

- Green, J; Thorogood, N. (2004). *Qualitative Methods for Health Research*. London: Sage.
- Hogg, M. (1995). "Social Identity" in the *Blackwell Encyclopedia of Social Psychology* eds.: S.R. Manstead & Mistes Heuston.
- Licohn, YS; Guba, E.G. (1985), *Naturalistic Inquiry*. London. Sage.